



مریم عاقلی

روزنامه‌نگار

عباس سلیمی‌نمین، کارشناس مسائل سیاسی و مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» در آستانه سالگرد شهادت فرمانده محبوب جبهه مقاومت حاج قاسم سلیمانی به بررسی ابعاد شخصیتی وویژگی‌های فردی فرمانده شهید نیروی قدس سپاه پاسداران و نسبت وی با جریانات سیاسی پرداخت که مشروح این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

۱۱۱

🔴 نگاه حاج‌قاسم فراتر از حزب و جناح بود چرا حاج‌قاسم به‌عنوان یک شخصیت نظامی فردی بودند که در همه طیف‌های سیاسی مورد احترام بودند؟

ضمن گرامیداشت این شخصیت ارزنده در اولین سالگرد شهادت ایشان باید بیان کنم این شهید بزبور نگاه کاملا فراتر از جناح و گرایش گروهی و حزبی داشت. این نگاه موجب می‌شد که ایشان همواره مصالح جامعه خودمان و جامعه بشری را بر سایر خاستگاه‌ها برتری دهد. افق نگاه شهید سلیمانی بسیار وسیع بود و تعامل بسیار سازنده‌ای با همه جریانات موجود در کشور داشت. به این معنا که برای پیشبرد جامعه حاضر بود با حفظ اصول، با جریانات مختلفی که با رای مردم روی کار می‌آمدند، تعامل سازنده داشته باشد. تعامل سازنده را می‌توانید در امام(ره) و رهبری امروز انقلاب به‌خوبی درک کنیم. اگر به عقب برگردیم امام در اواخر عمر خود فرمودند من به بنی‌صدر رای ندماد، من بازگان را قبول نداشت‌م، اما وقتی عملکرد امام را بررسی می‌کنیم این گونه تصور می‌شود که صددرصد آقای بنی‌صدر مورد تایید امام(ره) بوده است. حتی وقتی امام(ره) اختیارات خود را به او تفذیذ کردند و او را به‌عنوان فرمانده کل قوا معرفی کردند،

۹ یادداشت شفاهی

محمد مهدی اسماعیلی، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران:

چرا «مکتب سلیمانی»؟

محمد مهدی اسماعیلی، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مفهوم «مکتب حاج‌قاسم سلیمانی» را بررسی و تشریح کرد. این گفت‌وگو به‌صورت یادداشت شفاهی تنظیم شده است، در ادامه این یادداشت شفاهی را از نظر می‌گذرانید.

۱۱۱

حاج‌قاسم سلیمانی شخصیتی فوق‌العاده و اسطوره‌ای در تاریخ انقلاب اسلامی است و شاید بعد از امامین انقلاب در این تراز همانند حاج‌قاسم وجود نداشت. نه اینکه شهادتی که قبلا بودند فضیلت کم‌تر یا بیشتر داشتند، در این مورد ما نمی‌توانیم قضاوت کنیم، بلکه حاج‌قاسم به‌دلیل تداوم و طول عمری که داشت، به این مقام و درجه رسید؛ یعنی حاج‌قاسم تجربیاتی را به‌دست آورد و در جاهایی نقش‌آفرینی کرد که دیگران امکان نقش‌آفرینی در آن را پیدا نکردند. حاج‌قاسم چهارده در جهاد و مبارزه بود.

وقتی در تاریخ انقلاب اسلامی درباره برخی شخصیت‌ها صحبت می‌کنید، باوجود اینکه شهدای بزرگی وجود داشتند، هیچ‌وقت راجع‌به آنها تعبیرهایی که درمورد حاج‌قاسم بود، وجود نداشت؛ به یاد بیاورید امام دربار شهیدبهبشتی این تعبیر قرآنی را داشت که بهبشتی یک ملت بود، در قرآن کریم هم خداوند درباره ابراهیم خلیل‌الله از این تعبیر استفاده کرده است.

امام راحل عظیم‌الشان ما هم درباره شهیدبهبشتی بیان کرد که شهیدبهبشتی برای ملت ما یک ملت بود. در این سال‌ها هم ما حاج‌قاسم را داریم که مشابه همان تعبیر برای او ازسوی امام انقلاب به‌کار رفته؛ یعنی رهبر انقلاب فرمودند حاج‌قاسم خود یک مکتب است.

این تعابیر بسیار ممتاز و منحصربه‌فرد است. در تاریخ انقلاب از امامین انقلاب درباره دو شخصیت چنین تعبیری داشتیم. حضرت امام درباره شهیدبهبشتی عنوان کرد و رهبر انقلاب هم درباره حاج‌قاسم.

حالا باید به این سوال پاسخ داد که چرا «مکتب سلیمانی»؟

این مساله مهمی است که چرا سیره حاج‌قاسم تحت‌عنوان مکتب نامگذاری شد. چرا و چگونه یک فرد چنان جایگاه و سرمایه بالایی به‌دست می‌آورد که دارای ابعاد مختلف می‌شود و می‌توان به آن مکتب گفت. این یک مشی و منش ارزشمند و غنی است که ابعاد مختلفی دارد. درمورد هرکدام از این ابعاد می‌توان صحبت کرد و حتما نمی‌توان یک‌بعدی مکتب را دید و آن را تفسیر کرد.

حاج‌قاسم از یک‌سو نماد قدرت منطقه‌ای است و برای کل مردم آزاده جهان حاج‌قاسم نماد مقاومت است. مردم او را با شجاعتش و ایستادگی و همت بالا می‌شناسند و برای تک‌تک مردم مظلوم منطقه مخصوصا کسانی که در عراق و سوریه داعش و تروریسم تکفیری را تجربه کردند حاج‌قاسم نماد ایثار و ازخودگذشتگی است.

ازسوی دیگر حاج‌قاسم یک شخصیت اجتماعی هم دارد. یعنی حاج‌قاسم همه اینها را جمع کرده و شخصیت اجتماعی خاصی هم پیدا کرده است که کمتر دیگران حتی هم‌رده‌های ایشان در طول جنگ و بعد از جنگ فرصت چنین نقش‌آفرینی را پیدا کردند. حاج‌قاسم به‌دلیل جایگاهی که در آن قرار داشت، یا بهتر بگوییم به‌خاطر جایگاهی که توانسته بود با ظرفیت‌های بزرگ خود ایجاد کند، امکان کنشگری‌های متفاوتی داشت و لذا ابعاد اجتماعی بزرگی هم پیدا کرده بود.

حاج‌قاسم چه در داخل و چه در خارج مردم را می‌شناخت و برای آنها

تعاریفی از ایشان داشتند. لذا اگر این نوع تعامل امام(ره) مورد بررسی قرار گیرد در باور نمی‌گنجد که امام(ره) در همان زمان آقای بنی‌صدر را به‌لحاظ فکری قبول نداشتند. اما چرا با تمام وجود از او پشتیبانی می‌کنند و حتی به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که همه تصور کردند بنی‌صدر را قبول کردند. نامه‌ای که آقای هاشمی به امام(ره) می‌نویسد دلالت بر شکل‌گیری این تصور داشت. درحالی‌که عامل این است که افق دید امام(ره) بسیار وسیع‌تر است یعنی ایشان موفقیت کل نظام سیاسی ایران را مدنظر داشتند و بنابراین اگر آقای بنی‌صدر بتواند با اختیاراتی که امام(ره) به او محول می‌کند گامی درجهت مردم بردارد، این برای امام(ره) بسیار مهم است. اینکه چه کسی این گام را برداشته برای امام(ره) در اولویت قرار ندارد. کسی که با رای مردم روی کار آمده امام(ره) پشتیبانی می‌کند تا بتواند منشأ خدمات بیشتری باشد.

🔴 نگاه امام و رهبری به کشور

و جریانات سیاسی در حاج‌قاسم تبلور یافته بود

این رویه که امام(ره) در پیش گرفته بودند و رهبری هم امروز همین رویه را دنبال می‌کنند، در شهید سلیمانی خیلی خوب تبلور یافته بود. این نگاه دورنگر و کلان‌نگر در این شهید وجود داشت درحالی‌که در بسیاری از ما وقتی یک‌دولت را قبول نداریم یا با دولتی زاویه داریم، نه‌تنها در مقام تقویت او برنمی‌ایم بلکه از ته‌دل خود خوشحال می‌شویم که زمین بخورد و موفق نباشد. فکر نمی‌کنیم که عدم‌توفیق این دولت به‌معنای عدم‌توفیق ملت است، عدم‌کارآمدی او به‌معنای عدم‌کارآمدی نظام جمهوری اسلامی است. به این امر توجه نداریم و همان نگاه خودمحور خود را داریم یعنی فکر می‌کنیم همه‌چیز باید بر مدار ما بچرخد. به‌عبارت دیگر اگر از کسی خوش‌مان آمد باید کمک کرد تا توفیق یابد و اگر از کسی خوش‌مان نیامد نباید کمک کنیم. این نگاه، گاهی معیوبی است که کاملا شهید سلیمانی بان بیگانه است.

قهرمان ایران

عباس سلیمی‌نمین در گفت‌وگو با «فرهیختگان» مطرح کرد

حاج‌قاسم نماد اعتقاد عمیق به جمهوریت نظام



کنند که این جریان تا چه حد قابل اتکا و اعتماد است. این ارزیابی به جامعه رشد می‌دهد.

🔴 حاج‌قاسم مردم را محور رسالت اسلام می‌دانست چون نگاه شهید سلیمانی نگاهی است که اسلام یعنی مکتب اسلام به‌مردم‌دارد، حاج‌قاسم مردم را محور رسالت اسلامی دانست، یعنی تعالی و ارتقای مردم را هدف اصلی اسلام می‌داند. شمای‌توانید پیروی او از مکتب اسلام را به‌خوبی و مشهود ببینید و اگر تلاش کنیم، می‌بینیم این نگاه حتی محدود به ملت ایران نمی‌شود، گرچه اوتعلق فراوانی به این آب‌و‌خاک داشته‌وسال‌ها در دفاع از مرزهای این سرزمین تلاش کرده و جراحات زیادی برداشته است، اما نگاه او محدود به مردم ایران نیست. او علقه‌ای به بشریت دارد. در هر جایی که می‌تواند به‌بشریت خدمت‌کند در آنجا کوتاهی نمی‌کند.

سلیمانی به جمهوریت یک نگاه باورمندی است. یعنی نگاه صوری ندارند. این نیست که دنبال توجیه باشند که فلان جریان با فریب رای آورده است، بنابراین جا دارد فلان جریان را مورد حمایت قرار ندهیم یا او کار نکنیم. نگاه او بسیار فراتر از این حرف‌هاست و به جمهوریت واقعا اعتقاد دارد. یعنی اگر رشدی برای جامعه قائل است از مسیر جمهوریت قائل است. به‌عبارت دیگر شهید سلیمانی معتقد است مردم باید رای بدهند و همه امکانات برای جریانی که با رای مردم روی کار آمده فراهم باشد و بعد هم مردم قرار است تجربه‌ای کسب کنند و رشدی را عاید خود سازند. آنها باید این رشد را از کانال جمهوریت کسب کنند یعنی درواقع یک جریان را روی کار بیاورند و آن جریان در یک محیط کاملا هموار کارکرد خود را عرضه کند یا اهداف خود را دنبال کند و بعد مردم قضاوت

۹ یادداشت

شهید سلیمانی، چهره بین‌المللی ایران

درعین حال از منافع ملی کوتاه نیامد.

شخصیت سلیمانی، درواقع نشان‌دهنده توانایی، ظرفیت وجودی و استعداد ملت بزرگ ایران برای ایفای چنین نقش بین‌المللی و فرامرزی است. جامعه ایرانی با رشد و تکاملی که در نتیجه انقلاب اسلامی پیدا کرده، قادر است علاوه‌بر نمایش هویت ملی، بستر نظام بین‌الملل اسلامی را هم فراهم کند. بنابراین می‌توان گفت هدف آمریکا از ترور شهید سلیمانی، فقط شهادت او و ضربه به فعالیت‌هایش نبود، بلکه نابودی این دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی بود.

آمریکا می‌خواست ملتی را بشکند و همه هویت و شخصیت معنوی او را نابود کند. هرچند آنها با قطعه‌قطعه کردن فرزند ملت ایران، غمی سنگین را برای ملت ایران رقم زدند، اما این غم برخلاف خواست آمریکایی‌ها، سرمایه‌ای برای زندگی معنوی و انقلابی ملت ایران خواهد بود.

شهید سلیمانی، قدیسی بود که سلوک معنوی را نه در عزلت‌گزینی و دوری از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، بلکه با حضور در کوران حوادث مردافکن و مبارزات خونین با استمگران و مستکبران طی می‌کرد و آمریکا می‌خواست تجربه وجود یک قدیس را برای زمان کنونی از بین ببرد. می‌کشد که مادر روزگار، دیگر بار چنین قدیسی تربیت کند. آیا جز ملت ایران می‌توانست مثل چنین درانه‌ای را به جامعه بشری تقدیم کند.

شهادت مسیح‌گونه سلیمانی، راه رشد و تعالی ملت ایران را هموار کرد. هرچند که مدیریت مدرانه نهضت عمومی که با شهادت ایشان شکل گرفت؛ هم تعیین‌کننده بود. فرصت‌های بزرگی که با اشتباه‌های آمریکا، برای تحقق بین‌الملل اسلامی و نیز تمدن نوین اسلامی پدید می‌آید؛ نیازمند توجه و برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی است.

بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی که همه جریانات مقاومت اسلامی را خون‌خواه شهید سلیمانی اعلام کردند، مقاومت را وارد مرحله جدیدی از هویت بین‌المللی‌اش کرده و مبارزات ضدآمریکایی را در افق نوینی کارسازی کرد.

اقامه نمازجمعه تهران به امامت مقام معظم رهبری هم این فرصت را به مردم داد که انقلابی بودن خود و حمایت قاطع‌شان از محور مقاومت و انتقام سخت و قدرت موشکی سپاه نشان دهند و یوم‌الله دیگری را پدید آورند.

در هنگامه هجوم رسانه‌ای و فضاسازی تبلیغی شیاطین داخلی و خارجی برای کودتا بر علیه همه هستی انقلاب اسلامی که با سوءاستفاده از بعضی اتفاقات صورت می‌گیرد؛ نیاز حیاتی به روشن‌نگری و داشتن فرصت تامل و تعمق پیدا می‌شود که این مهم جز با حضور و جلبوی ملکوتی رهبری الهی انقلاب در نمازجمعه تهران ممکن نبود. رهبری آمد تا خود را درمصاف جدایی‌حق و باطل قرار دهد و سحر ساحران را باطل سازد.

مردم هم نشان دادند که به‌خوبی می‌توانند حد و اندازه پدیده‌ها و مسائل سیاسی را تشخیص دهند و مواضع متناسب با هر کدام را داشته باشند. این نمایش ملی باعث یأس دشمنان و معاندان شد و همگان را به تداوم آرمان‌های انقلاب اسلامی مطمئن ساخت. نیروی قدس که بنوعی یادگار شهید سلیمانی محسوب می‌شود؛ «رزمندگان بدون مرز» نام گرفت تا پایه‌های نظام بین‌الملل اسلامی مستحکم شود و جهان اسلام به داشتن یک نیروی نظامی بین‌المللی مستظهر شود. آنها که شهادت سلیمانی را به‌عنوان مقدمه‌ای برای طرح معامله قرن خود می‌خواستند؛ مواجه با قرن سرنوشت‌ساز پیروزی مقاومت اسلامی و آرمان فلسطین خواهند شد.

محمدعلی فتح‌اللهی

رئیس پژوهشکده نظریه‌پرداز سیاسی و روابط بین‌الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقام معظم رهبری که خود، رهبری مقاومت و بیداری اسلامی را برعهده دارد، شهید سلیمانی را چهره بین‌المللی مقاومت اسلامی دانستند. مقاومتی که هویت بین‌الملل اسلامی را زمینه‌سازی و نمایان می‌کند. او که تربیت‌یافته اسلام و مکتب امام‌خمینی(ره) بود، راه بین‌الملل مفهوم بین‌الملل اسلامی را در مواردی ازجمله اداره حرمین شریفین و امور حج مطرح و بیان کردند که چنین هویتی باید امور حج و مکه و مدینه را اداره کند. درواقع همه مذاهب و کشورهای اسلامی به شکل یک جامعه بین‌الملل، نماینده‌ای برای اداره و مدیریت بین‌الملل اسلامی حج داشته باشند.

این نظر فقهی امام(ره) به این مناسبت که اگر روزی سعودی‌ها بر حجاز مسلط نباشند، اداره مکه و مدینه را باید به عقلایت جهانی اسلامی و نهاد نمایاننده آن یعنی بین‌الملل اسلامی واگذار کرد. با تاسف تاکنون ساختار و نهاد مستقل و مشیر به بین‌الملل اسلامی به‌وجود نیامده است.

دیدگاه‌های حضرت امام(ره) درباره جواز اقتدای نماز اهل تشیع به تسنن در مسجدالحرام و مسجدالنبی حتی در شرایط غیرتقیه نیز ناشی از نگاه بین‌المللی ایشان به این مکان‌هاست؛ به این معنا که وقتی مکان و محیط بین‌المللی باشد، حکم فقهی مربوط به آن هم فرق می‌کند. امام(ره) همچنین شعار اتحاد جماهیر اسلامی و ایجاد وحدت اسلامی را مطرح کردند. در وحدت اسلامی قرار نیست تک‌تک‌ها به وحدت تبدیل شوند. با حفظ تک‌تک‌ها و علاوه‌بر آنها، وحدتی‌علی‌حده شکل می‌گیرد. وحدت مفهومی سیاسی- حکومتی است که می‌توان در سطح جهان اسلام از آن استفاده کرد. وحدت اسلامی، شکل‌گیری وحدت بر پایه و بنیان‌های اسلامی است، همچنین تقدی بر نظام سلطه جهانی است که ممکن است بعضی کشورهای مسلمان که در چارچوب سلطه جهانی عمل می‌کنند، با آن مخالفت کنند و برعکس امکان دارد برخی کشورهای غیراسلامی که اهداف ضدسلطه را قبول داشته باشند، در آن مشارکت کنند.

به‌طورکلی انقلاب اسلامی به‌دنبال فضای بالاتر از نظام ملیت و شروع دوره فراملی است و مسیر جهانی‌شدن و زندگی بین‌المللی و فراملی را باز می‌کند. تمدن نوین اسلامی هم باید خود را مسئول اداره همه مردم جهان بداند. تمدن نوین اسلامی، هویت بین‌المللی دارد و بدون داشتن آن نمی‌تواند صرفا روی ظرفیت‌های ملی بنا شود. اهمیت نگاه بین‌المللی برای تمدن نوین اسلامی به‌اندازه‌ای است که می‌توان گفت اگر این تمدن نتواند به ساحت بین‌المللی وارد شود و تأثیرگذار باشد، اساسا شکل نمی‌گیرد.

با این مقدمه به‌خوبی می‌توان جایگاه ویژه شهید سلیمانی را در جغرافیای سیاسی منطقه و عالم اسلامی درک کرد. او به‌نمونه‌اعلایی برای آرمان بین‌المللی امام‌خمینی(ره) تبدیل شد و توانست در مقام یک فرمانده مهم نظامی و همچنین استراتژیست سیاسی و امنیتی، از علایق ملی فراتر رود و هویت بین‌الملل اسلامی را تحقق بخشد. او تجربه‌ای از خود به‌نمایش گذاشت که با آن می‌توان از طریق پایبندی کامل به آرمان‌های انقلاب اسلامی به عرصه‌های فراملی دست یافت. سلیمانی نشان داد که حراست از منافع ملی با ایفای نقش بین‌الملل اسلامی تعارض ندارد، می‌توان مصالح امت اسلامی را در نظر گرفت و